

کتابخانه‌ها و نقش آنها در توسعه روستایی

عباس نوروزی - دکترای ترویج و آموزش کشاورزی
مجید زارعی - کارشناس ارشد ترویج و توسعه روستایی

چکیده

کتابخانه‌های روستایی به دلیل قرار گرفتن در حوزه فرهنگی و به جهت ارتباط نزدیک ترویج با مقوله‌های فرهنگی، پیوندی نزدیک و گسست‌ناپذیر با ترویج و فعالیتهای ترویجی دارند. به عبارت دیگر، براساس این قاعده کلی که هر آنچه که بتواند به تقویت مبانی فرهنگی و فکری و تعالی ذهنی توده‌های روستایی کمک نماید، می‌تواند در همکاری نزدیک با ترویج قلمداد شود، کتابخانه‌های روستایی نیز به علت کارکردی کاملاً فرهنگی دارای خصیصه فوق در عالی‌ترین شکل ممکن می‌باشند. بررسی سوابق موضوع در ایران نیز نشان می‌دهد که کتابخانه‌های روستایی در زمره وظایف و کارکردهای مروجان کشاورزی و خانه‌داری در سالهای قبل از انقلاب و کمیته‌های فرهنگی وزارت جهاد سازندگی در سالهای پس از انقلاب محسوب می‌شده‌اند. در سالهای اخیر، توجه به کتابخانه‌های روستایی با حاکم شدن تدریجی نگاه فن‌سالارانه بر مجموعه سیاستهای وزارت جهاد سازندگی و تقویت این ایده در سالهای پس از ادغام آن با وزارت کشاورزی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، تدریجاً در حاشیه قرار گرفت. این در حالی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم، در سطحی بسیار محدود خدمات کتابخانه‌ای به روستاییان ارائه می‌دهند. شرایط کنونی مناطق روستایی کشور ایجاب می‌کند که کارگزاران صحرایی ترویج عنایت جدی‌تری به ایجاد و تقویت کتابخانه‌های روستایی از طریق همکاری با دیگر متولیان امور فرهنگی روستا داشته باشند. ضمن آنکه توجه به این مهم در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی ترویج و آموزش کشاورزی قطعاً مؤثر و راهگشا خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: کتابخانه، روستا، ترویج، توسعه روستایی.

مقدمه

اگرچه میان صاحب‌نظران ترویج کشاورزی در مورد حدود و ثغور فعالیتهای ترویجی اختلاف نظر وجود دارد، اما به نظر می‌آید که این علما نسبت به پاره‌ای از موارد اتفاق نظر دارند. یکی از این وجوه اشتراک ماهیت فرهنگی فعالیتهای ترویجی است. به عبارت دیگر تمامی اهل فن ترویج بر این عقیده و باورند که تعالی فرهنگی مخاطبان ترویج تحت هر شرایطی می‌بایست مورد نظر کارگزاران ترویج باشد. چرا که از این رهگذر است که دستیابی به عالی‌ترین اهداف ترویج مانند خوداتکایی و خودباوری می‌تواند دست‌یافتنی باشد. در این میان از جمله بارزترین فعالیتهای فرهنگی باید از کتاب و کتابخوانی نام برد که اگر در محیط روستا صورت پذیرد باید آن را در حیطه و قلمرو آموزشهای ترویجی به شمار آورد. بنابراین ترویج و کتاب، دارای ارتباط نزدیکی با یکدیگرند و حداقل ارتباط میان این دو را می‌توان در قالب «نشریه ترویجی»، یعنی ابزار کارآمد آموزشهای ترویجی دید. تعمقی بر پیشینه فعالیتهای ترویج کشاورزی در ایران حکایت از آن می‌کند که پرداختن به کتاب و فعالیتهای مرتبط با آن همواره مورد توجه کارگزاران ترویج و به ویژه نهاد ترویج در وزارت جهاد سازندگی سابق و کمیته‌های فرهنگی آن بوده است. شاید بتوان دلیل توجه بیشتر دستگاه ترویج وزارت جهاد سازندگی سابق به مقوله کتاب و کتابخوانی را در راهبرد کلان ترویج در این وزارتخانه جستجو نمود. به عبارت بهتر، وزارت جهاد سازندگی، بیشتر قائل به توسعه فرهنگی بود در حالی که وزارت کشاورزی راهبرد انتقال فناوری را برای فعالیتهای ترویج در نظر داشت. این تفاوت‌نگاه‌ها باعث شده بود که در مقابل آموزه‌های فنی در وزارت کشاورزی، غالباً کارکردهای فرهنگی مانند ایجاد و توسعه کتابخانه‌ها، در زمره فعالیتهای ترویجی وزارت جهاد سازندگی قلمداد شود. متأسفانه در چند سال اخیر و به ویژه پس از سال ۱۳۸۲ تولید نهاد ترویج در کتابخانه‌های روستایی به فراموشی سپرده شده و از طرف دیگر جایگزین مناسبی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. پرداختن به معضلات و اهمیت کتابخانه‌های روستایی و ضرورت باز تعریف و ایفای نقشی فعالانه برای نهاد ترویج، هدف عمده و اساسی این نوشتار است.

اهمیت کتابخانه‌های روستایی

مقدم بر اهمیت کتابخانه‌های روستایی می‌بایست از اهمیت کتاب نام برده شود، چرا که

محتوای کتابخانه را عمدتاً کتاب تشکیل می‌دهد. شماری از اهل فن بر این باورند که مطالعه کتاب پاسخی خواهد بود به ۴ دسته از نیازهای انسان. این نیازها عبارت‌اند از: آگاهی، تسکین، لذت، شناخت. حسب شرایط مختلف محیطی و نیز شرایط شخص، مطالعه یک متن می‌تواند یکی یا تعدادی از این نیازها را مرتفع نماید (ابرامی، ۱۳۵۷). بدیهی است که نیاز به شناخت، عالی‌ترین نیازی است که مطالعه یک نوشتار می‌تواند آن را مرتفع کند. برخی دیگر نیز بر این باورند که کتاب ابزار مناسب تغییر فرهنگ است و یکی از عواملی است که به مدد آن می‌توان عناصر جدید فرهنگی را به ذهن خواننده انتقال داد یا ترکیب جدیدی در آن ایجاد نمود (امانی، ۱۳۷۶). بنابراین علی‌رغم گسترش بی‌حد و حصر رسانه‌های نوین مانند اینترنت و رایانه و ایفای نقش آموزشی و حتی در مواردی جایگزینی رسانه‌هایی مانند کتاب، همچنان باید بر نقش و اهمیت رسانه‌های مکتوب مانند نشریه و کتاب در فرآیند ارتقای توان فکری آحاد جامعه تأکید کرد.

گسترش کتابخانه در هر جامعه، نمودی است از احترام و ارجمندی که آن جامعه برای کتاب و کتابخوانی و حتی بالاتر از آن برای اقشار و گروه‌های تحصیل کرده و مولدان و استفاده‌کنندگان از کتاب قائل است. در این زمینه، «امانی» بر این باور است که هنگامی که در جامعه‌ای کتابهای فراوانی منتشر شود و کتابخانه‌ها فزونی یابند، حق خواندن نیز بر همگان مسلم و محتوم می‌گردد و کتابخوانی جزء ضروریات زندگی می‌شود و اهل علم و ادب مقام و منزلت والایی می‌یابند (امانی، ۱۳۷۶). به این ترتیب، توسعه کتابخانه در هر جامعه اقدامی است در جهت ارج نهادن بر اهتمام کسانی که مبادرت به تولید کتاب می‌نمایند. منشور کتاب هم که در سال جهانی کتاب^۱ انتشار یافت، کتابخانه‌های هر کشور را منابعی ملی در انتقال آگاهی و معرفت بین افراد شناخت، برای هر کس حق خواندن قائل شد، نشر و تولید کتاب را اساس عمران ملی دانست و جریان آزاد کتاب بین ممالک را از عوامل گسترندۀ تفاهم بین‌المللی برشمرد (ابرامی، ۱۳۵۷).

کنفرانسهای متعدد بین‌المللی در مورد کتاب و کتابخوانی به صراحت اهمیت مقوله کتاب را در روند رشد و توسعه جوامع گواهی می‌کند. در این مورد و به عنوان نمونه می‌توان به کنفرانس منطقه‌ای کارشناسان یونسکو که به سال ۱۹۶۶ در توکیو تشکیل شد، اشاره نمود که در آن کتاب وسیله‌ای در پیشبرد عمران روستایی شناخته شد. همچنین در دیگر کنفرانسهای منطقه‌ای این سازمان که در سالهای ۱۹۶۸ در اکرا،^۲ ۱۹۶۹ در بوگوتا^۳ و ۱۹۷۲ در

قاهره برپا شد، به صراحت تأکید گردید که توسعه کتاب ضرورت اولیة برنامه‌های دراز مدت آموزشی و اساس توسعه اقتصادی است. علاوه بر آن، از ابتدای سال ۱۹۶۷، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد توجه خود را به کتاب به عنوان عامل اساسی آموزش معطوف کرد و آن را از وسایل لازم در فرآیند عمران و پیشرفت ملل شناخت (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۳).

سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز بر ضرورت ارائه خدمات کتابخانه‌ای به روستاها تأکید دارد. در این مورد در گزارش یونسکو آمده است: «... ساکنان قراء و قصبات به داشتن کتابخانه‌های مرتب و منظمی که حوائج آنان را برآورد، احتیاج مبرم دارند و اگر بگوییم انجام این امر دشوار بوده و نمی‌توان به آسانی وسایل راحتی این دسته از مردم را فراهم آورد منتهای بی‌انصافی و غیرقابل قبول است و نباید گفت که تأمین و ایجاد دستگا‌ه‌های کتابخانه در قراء و قصبات بیش از کتابخانه‌های شهرها به اعتبار و پول زیاد احتیاج دارد، زیرا عوارض محلی که برای تأسیس کتابخانه‌ها در این قبیل نقاط گرفته می‌شود بسیار کمتر از عوارضی است که در شهرها اخذ می‌شود از این رو بر دستگا‌ه‌های دولتی فرض و لازم است که از بودجه خود کمبود اعتبارات کتابخانه‌های دهات و قصبات را ترمیم کنند (یونسکو، ۱۳۳۴). به این ترتیب، این گزارش بر دولت‌ها واجب نموده است که در زمینه ایجاد و تقویت کتابخانه‌ها در نقاط روستایی اهتمام ورزند.

تعمقی بر کارکردهای کتابخانه و به ویژه کتابخانه‌های روستایی هم می‌تواند حاکی از اهمیت کتابخانه‌های روستایی باشد. عمده‌ترین کارکردهایی که می‌توان از یک کتابخانه روستایی انتظار داشت، عبارت اند از:

۱- ایجاد محیطی برای آموزش و ترویج کشاورزی و فعالیتهای ترویجی نیازمند فضایی است که قابلیت دسترسی بیشتری برای روستاییان داشته باشد تا از این طریق بتوان بر گستره پوشش آموزشهای ترویجی در حوزه‌های گوناگون کشاورزی، بهداشت، محیط زیست، مسکن و... افزود. به این جهت، فضای کتابخانه‌ها می‌تواند گزینه‌ای بسیار مناسب برای فعالیتهای ترویجی تلقی شوند.

۲- ایجاد امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات، از جمله رسالت‌های مهم دولت‌ها در عصری است که به همین عنوان نامیده می‌شود. در این میان روستاها به دلایلی چند دارای مشکلات بیشتری هستند. ایجاد و تقویت کتابخانه‌های روستایی می‌تواند به در اختیار داشتن پایگاهی برای فناوری اطلاعات و ارتباطات بیانجامد. به عبارت دیگر، با تجهیز کتابخانه‌های روستایی به امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز آموزش کتابداران روستایی در این حوزه، می‌توان از شکاف اطلاعاتی میان مناطق روستایی و شهری، که عمدتاً به دلیل دور

افتاده بودن و محرومیت است، کاست.

۳- ایجاد محیطی برای فعالیتهای فوق برنامه و تفریحی و آموزشهایی که جنبه رسمی تری نسبت به آموزشهای ترویجی دارند. برای این منظور می توان به مواردی مانند برگزاری کلاسهای مهارتی، گلدوزی، قرآن، آموزش نظامی، رایانه، خط، احکام و ... اشاره نمود. واگذاری وظیفهٔ اخیر به کتابخانه‌های روستایی، علاوه بر اینکه فضایی برای این گونه فعالیتها در اختیار متولیان فعالیتهای پیش گفته و سایر علاقه‌مندان و داوطلبان به حوزه‌های فرهنگی در روستاها قرار می‌دهد، می‌تواند تردد بیشتر روستاییان به کتابخانه‌ها را در پی داشته باشد و همین آمد و شد افزون تر، میل به کتاب و کتابخوانی را در روستاییان افزایش خواهد داد.

۴- کتابخانه‌های روستایی می‌توانند پایگاهی برای سوادآموزی روستاییان و نیز تقویت آموخته‌های روستاییان نوسواد باشند. شایع و مرسوم بودن خطر بازگشت نوسوادان به بی‌سوادی، نقش و رسالت کتابخانه‌های روستایی را بیش از پیش پدیدار می‌کند. نهضت سوادآموزی با آگاهی و درک لازم نسبت به کارکرد اخیر کتابخانه‌ها در تعدادی از کتابخانه‌های روستایی، کلاسهای سوادآموزی برای روستاییان برقرار کرده است.

۵- کتابخانه‌ها به دلیل فراهم آوردن زمینه رشد و تکامل فردی و اجتماعی افراد و زدودن زنگار بی‌اطلاعی و ناآگاهی، نقشی تربیتی ایفا می‌کنند.

۶- کتابخانه‌های روستایی می‌توانند در ثبت و ضبط و حفظ و گسترش آداب و رسوم محلی و فرهنگ اجتماعی روستاییان نقش داشته باشند. ترغیب روستاییان به جمع‌آوری و نگارش و تدوین و نگهداری آنچه که از گذشتگان به ارث رسیده و به یادگار باقی مانده است در کتابخانه‌های روستایی می‌تواند از مهم‌ترین کارکردهای کتابخانه‌های روستایی قلمداد شود.

۷- پر کردن اوقات فراغت روستاییان می‌تواند از مهم‌ترین وظایف محوله به کتابخانه‌های روستایی تلقی شود.

۸- ایجاد و تقویت روحیه مشارکت و همکاری جمعی و گروهی در میان روستاییان، از آثار مهم کتابخانه‌های روستایی است.

۹- تقبل نقش اطلاع‌رسانی توسط کتابخانه‌ها در روستاها می‌تواند به ایجاد و تقویت ارتباط میان دولت و روستاییان منجر شود و از این رهگذر گسست میان این دو تا حدی تعدیل و مرتفع شود.

مروری بر پیشینه کتابخانه‌های روستایی در جهان و ایران

مطالعه اسناد و مدارک موجود حکایت از آن دارد که شماری از کشورهای جهان زودتر از ایران مبادرت به ایجاد کتابخانه‌های روستایی نموده یا اهتمام جدی تری در حمایت و تقویت این کتابخانه‌ها از خود نشان داده‌اند. در زیر به چند نمونه از فعالیتهای انجام شده در مورد کتابخانه‌های روستایی در تعدادی از کشورهای جهان به نقل از «حافظی‌نیا» اشاره می‌شود:

در هندوستان اقداماتی از سال ۱۹۱۰ برای سازماندهی کتابخانه‌های روستایی انجام شد و در سال ۱۹۳۷ با تدوین برنامه‌های آموزش و پرورش، کتابخانه‌های روستایی به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای پشتیبانی برنامه‌های فرهنگی در روستا پذیرفته شدند، به طوری که تا سال ۱۹۴۲ تعداد ۱۳۰۰ روستادارای کتابخانه بودند. مجارستان از سال ۱۸۹۷ اقداماتی را برای تشکیل کتابخانه‌های روستایی به عمل آورد که تأسیس ۱۵۰۰ باب کتابخانه را در پی داشت. علاوه بر این در طی سالهای ۱۹۲۰ الی ۱۹۳۹ کتابخانه‌هایی با عنوان «کتابخانه مردم» در شهرها راه‌اندازی شد که یکی از وظایف آن ارسال کتاب برای کتابخانه‌های روستایی بود، به طوری که در سال ۱۹۳۸، ۱۶۲۹ کتابخانه روستایی از این طریق کتاب دریافت کردند.

کشور «جامائیکا» نمونه دیگری است که از سال ۱۹۳۹ برای تشکیل و توسعه کتابخانه‌های روستایی به عنوان یکی از ارکان توسعه و عمران روستایی اقدامات مهمی انجام داد و تا سال ۱۹۷۲ جمعیتی قریب به یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر را تحت پوشش خدمات کتابخانه‌های روستایی قرار داد. در مورد جامائیکا هم باید به ارائه خدمات پستی رایگان جهت ارسال کتاب به کتابخانه‌های روستایی اشاره نمود (حافظی‌نیا، بدون تاریخ). با توجه به هزینه‌های مترتب بر ایجاد و راه‌اندازی کتابخانه و درآمد ناچیز کتابخانه‌ها از محل عضوگیری به ویژه در محیط‌های روستایی، می‌توان به صراحت به ارزش توجهی که اولیای امور فرهنگی در کشورهای فوق برای کتابخانه‌های روستایی قائل هستند، پی برد.

در ایران که ارائه بعضی از خدمات از سوی دولت مانند خدمات آموزشی و کتابخوانی فقط در چند دهه اخیر وظیفه تلقی شده است تجلی فعالیتهایی مانند خدمات کتابداری و کتابخوانی به ویژه در مناطق روستایی و در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم را باید در حرکت‌های خودجوش اهالی فرهنگ دوست و با تقبل هزینه‌های مربوط از سوی این افراد جستجو نمود. از جمله معدود اسناد به دست آمده در زمینه کتابخانه‌های روستایی در ایران که به همت اشخاص، دایر و فعال شده‌اند باید به «قرائت خانه حسینی پاریز» اشاره نمود که در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ هجری شمسی به اهتمام فردی به نام «حسین صفاری» در روستای پاریز از توابع سیرجان در استان کرمان دایر شده بود و برای همین منظور در



شماره ۱۹ مجله «آینده» به تاریخ آبان ۱۳۰۶ اعلانی کوچک در این خصوص و با مضمون زیر به چاپ رسیده بود: «قرائت خانه حسینی پاریز. من باب خدمت به معارف و هموطنانم، با عدم بضاعت، یک باب قرائت خانه، به سرمایه شخصی، در پاریز دایر، انواع رمان، و تاریخ ادبیات، هر روزه سوای ایام تعطیل، برای قرائت عموم مفتوح است بانی: حسین صفاری» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵).

اگر نوشته‌های باقیمانده از سالهای قبل، با دقت و وسواس بیشتری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند قطعاً به مواردی مانند نمونه بالا برخورد خواهیم خورد. اما واقعیت آشکار این است که از سالهای دهه ۱۳۲۰ به بعد فعالیتهای جدی مرتبط با کتاب و کتابداری در مناطق روستایی کشور و توسط نهادهای گوناگون با گستردگی ملی و منطقه‌ای نضج می‌گیرد و ظاهراً در این میان، «کتابخانه‌های سیار» بر «کتابخانه‌های ثابت» از نظر شروع به فعالیت، تقدم زمانی داشته‌اند. به طوری که بنیاد خاور نزدیک^۶ که نامی آشنا در آغاز فعالیتهای ترویجی در ایران است، در زمینه کتابخانه‌های روستایی نیز به صورت پیش‌گام عمل نموده است. این خود می‌تواند شاهدهی دیگر در پیوند فعالیتهای ترویجی با کتاب و کتابخوانی در روستاها قلمداد شود. به گفته «عباس اکرامی»، بنیاد مذکور از طریق برپا کردن کتابخانه سیار در روستاهای اطراف و رامین کتب منتشر شده توسط بنیاد را در این روستاها توزیع می‌کرد (حقیقی طلب، ۱۳۵۴).

«حقیقی طلب» از سازمان ترویج کشاورزی به مثابه نهادی اثرگذار در فعالیتهای کتابخانه‌های روستایی از طریق باشگاههای جوانان روستایی نام می‌برد. به زعم وی یکی از وظایفی که بر عهده باشگاهها نهاده شده بود تدارک کتاب و توزیع آن در مناطق روستایی بوده است (همان). «حقیقی طلب» به توزیع و تعویض کتاب توسط انتشارات فرانکلین و با کمک بنیاد خاور نزدیک در چند روستا از منطقه بوئین زهرا که در سال ۱۳۴۳ دچار زلزله شده بودند، اشاره می‌کند (همان). اگر چه حرکت اخیر قابل احترام است، اما مقطعی و کوتاه‌مدت بودن را باید به منزله عمده‌ترین نقص آن برشمرد.

در سالهای دهه ۴۰، و با ظهور سپاهیان انقلاب و به ویژه سپاه دانش (اعم از سپاه دانش پسران و دختران)^۷ در عرصه فعالیتهای مرتبط با کتابخانه‌های روستایی، مشارکتهایی موردی و پراکنده انجام می‌شود (همان). بهره‌گیری از سپاهیان دانش در امر توسعه

5. Near East Foundation (N.E.F)

۶- رئیس اداره آموزش بنیاد خاور نزدیک

۷- قانون تأسیس سپاه دانش پسران و دختران به ترتیب در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۷ به تصویب رسید.



کتابخوانی در روستاها تا جایی مورد توجه بود که در برنامه آموزشی ایشان «آموزش اصول کتابداری و تشکیل کتابخانه در روستا» لحاظ شده بود که بدین منظور تهیه و تدوین جزوه‌ای را به یکی از اساتید کتابداری دانشگاه تهران که تجربیات ارزنده‌ای از کار در کتابخانه‌های عمومی و روستایی هندوستان داشت، سفارش دادند. این نشریه با شمارگان بسیار زیاد توسط انتشارات ایران مک - گروهیل^۹ به چاپ رسید و در اختیار سپاهیان دانش و دیگر علاقه‌مندان قرار داده شد. سپاهیان دانش علاقه‌مند هم از راههای گوناگون برای کتابخانه‌های روستایی کتاب تهیه می‌کردند و کتب گردآوری شده را در طاقچه یا قفسه موجود در کلاس درس نگهداری می‌نمودند. یکی از راههای تهیه کتاب، «برنامه کودک رادیو» بود که از مردم برای گردآوری کتاب برای این کتابخانه‌ها کمک می‌خواست (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳). به زعم «حقیقی طلب» برنامه کودک رادیویی تأثیر نبود زیرا به دنبال اعلام درخواست کتاب توسط هر سپاهی دانش از یک روستا از طریق برنامه کودک رادیو، کتبی به وسیله اهداکنندگان کتاب و ناشران برای سپاهی فوق ارسال می‌گردید (حقیقی طلب، ۱۳۵۴). این مورد نیز می‌تواند به منزله تجربه‌ای موفق در زمینه استفاده از رسانه‌های همگانی برای جلب کمکهای مردمی مورد توجه قرار گیرد.

تجربه سپاهیان دانش نیز حاکی از ظرفیت قابل توجه این عده در راه‌اندازی و اداره کتابخانه‌های روستایی در کشور است. توجه به این نکته از آن رو مهم است که امروز نیز روستاهای کشور شاهد حضور مضمولان نظام وظیفه در قالب سرباز معلم و سرباز سازندگی است.

نهاد فعال دیگر در این زمینه، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» است که تا امروز مشغول فعالیت می‌باشد. از جمله وظایف کانون که در اساسنامه آن ذکر شده عبارت‌اند از: ۱- تأسیس کتابخانه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان در بخشها و روستاهای تهران و شهرستانها ۲- ایجاد و اداره کتابخانه‌های بسیار به منظور برآوردن نیازمندیهای روستاها. این کانون در سالهای دهه ۴۰ و ۵۰ در زمینه کتابخانه‌های روستایی فعال بود (حقیقی طلب، ۱۳۵۴). کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به فاصله کمتر از یک سال از تأسیس آن، نخستین کتابخانه سیار روستایی را در سال ۱۳۴۵ در منطقه دره شوری برای عشایر استان فارس راه‌اندازی کرد (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳). ظاهراً بهره‌گیری از کتابخانه‌های سیار برای پوشش خدمات کتابخانه‌ای در مناطق روستایی و عشایری وجهه

همت مدیران و مسئولان کانون قرار گرفته بود چرا که تا سال ۱۳۵۴، مجموعاً ۱۸ باب کتابخانهٔ سیار روستایی و عشایری در سطح کشور فعال بود و برای این منظور از وجود قاطر، موتور سیکلت و جیب استفاده می‌شده است (حقیقی طلب، ۱۳۵۴). اگر چه در گزارش فوق از تعداد کتابخانه‌های کانون در تهران و شهرستانها ذکر می‌شده است، اما قابل انتظار است که تعداد این کتابخانه به مراتب بیش از ۱۸ بوده باشد و این به تعبیری به معنای توجه بیشتر به کودکان و نوجوانان شهری در قیاس با همین گروه در روستاهاست.

همچنین، ادارهٔ کل امور عشایر به همت «محمد بهمن بیگی»^{۱۰} موفق شده بود که یک باب وسیلهٔ نقلیه از صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) تهیه نماید که برای توزیع کتاب در میان معلمان عشایری مورد استفاده قرار می‌گرفت (حقیقی طلب، ۱۳۵۴). تجربهٔ دیگر در خصوص کتابخانه‌های روستایی در سالهای پیش از انقلاب، تلاش افراد خیر و علاقه‌مند بود که با جلب مساعدت روستاییان، یا با هزینهٔ خود برای دانش‌آموزان روستایی کتاب می‌خریدند و از این طریق به توسعهٔ کتابخوانی در روستاها کمک می‌نمودند. به عنوان یک نمونهٔ برجسته و ماندگار در تاریخ کتابخانه‌های روستایی این مرز و بوم و آن هم در سالیان اخیر باید از «صمد بهرنگی»^{۱۱} نام برد که در زمستانهای سرد کوله‌باری از کتاب را با خود به روستاها می‌برد و در میان دانش‌آموزان توزیع می‌کرد (محقق، ۱۳۸۲).

در اواسط سالهای دههٔ ۱۳۴۰ مروجان خانه‌داری از وزارت کشاورزی (سازمان ترویج کشاورزی) به وزارت مسکن و شهرسازی^{۱۲} و به فاصلهٔ کوتاهی پس از آن به خانه‌های فرهنگ روستایی در وزارت تعاون و امور روستاها منتقل می‌شوند. یکی از وظایف مروجان خانه‌داری در خانه‌های فرهنگ روستایی که ظاهراً متولی امور فرهنگی روستا بودند، ایجاد کتابخانه بود، به طوری که خانه‌های فرهنگ روستایی به مهم‌ترین نهاد فرهنگی روستا (جدای از مؤسسات آموزش رسمی) در سالهای نیمهٔ اول دههٔ ۱۳۵۰ تبدیل شدند که شاهد این مدعا، نقش فرهنگی خانه‌های فرهنگ روستایی در سالهای برنامهٔ عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۱)

۱۰- محمد بهمن بیگی بنیان‌گذار آموزش عشایر است. وی اولین مدرسهٔ سیار عشایری را در سال ۱۳۳۰ در میان عشایر فارس برپا کرد.

11. United Nation Children's Fund (UNICEF)

۱۲- صمد بهرنگی متولد سال ۱۳۱۸ و دانش‌آموختهٔ رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز بود که از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۷ عمدتاً در روستاهای آذربایجان به صورت حق‌التدریس، آموزگار بود و در سال ۱۳۴۷ به طرز مشکوکی در رودخانهٔ ارس غرق شد.

۱۳- ظاهراً انتقال مروجان خانه‌داری به وزارت مسکن و شهرسازی با توجه غیرمنطقی و ساده‌انگانهٔ وجود لفظ «خانه‌داری» در عنوان شغلی این افراد ارتباط آن با وجود واژهٔ «مسکن» در عنوان وزارتخانه فوق، صورت گرفت و خیلی زود هم مسئولان ذی‌ربط پی به اشتباه خود بردند و آنها را به خانه‌های فرهنگ روستایی در وزارت تعاون و امور روستاها منتقل کردند.

است. در فصل فرهنگ و هنر این برنامه و در ضمن سیاستهای اجرایی فرهنگ و هنر به تأسیس ۵۰۰ باب کتابخانه در این خانه‌ها اشاره شده است که در جریان تجدید نظر در ارقام برنامه به علت افزایش بهای نفت، این رقم به ۶۰۰ باب افزایش یافت (ابرامی، ۱۳۵۷). به گفته «حقیقی طلب» که گزارش خود را در همان سالها تهیه کرده است، راه اندازی کتابخانه توسط آنها از رونق خوبی برخوردار نبود (حقیقی طلب، ۱۳۵۴). از آنجایی که تعداد دیگری از اهداف کمی برنامه عمرانی پنجم در همین فصل فرهنگ و هنر محقق نشد (از جمله ایجاد ساختمان جدید برای کتابخانه ملی)، نباید ادعای فوق چندان دور از واقعیت باشد. به نظر می‌رسد از دلایل این امر آشنا نبودن و نیز عدم وقوف کارکنان خانه‌های فرهنگ روستایی به ارزش و اهمیت کتابخانه و همچنین غالب بودن تبلیغات بر فضای کارکردی خانه‌های فرهنگ روستایی و فانتزی بودن امور بوده است. در مورد مروجان خانه‌داری و تلاش ایشان در خصوص کتابخانه‌های روستایی، باید به طی دوره آموزشی یک هفته‌ای ۲۴ نفر از مسئولان این خانه‌ها با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اشاره کرد که طی آن تعلیمات علمی مرتبط با کتابخانه‌های کانون را فرا گرفتند (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳).

از جمله فعالیت‌های «لژیون خدمتگزاران بشر» که نسخه برداری شده از سپاهیان صلح آمریکا بود و در سالهای آخر حکومت پهلوی فعال بودند، توزیع کتاب در مناطق روستایی است. در این مورد هم به ادعای «حقیقی طلب»، نقص اساسی، مستعمل بودن بخش اعظم کتب تأمین شده توسط «لژیون خدمتگزاران بشر» بود که در اختیار کتابخانه‌های کودکان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار می‌گرفت تا پس از مرمت و رفع نواقص در مناطق روستایی محل فعالیت لژیون توزیع شود (حقیقی طلب، ۱۳۵۴).

همکاری دو نهاد می‌تواند تجربه‌ای قابل استفاده در مقطع کنونی هم باشد. بررسی اقدامات فوق که در اصل مهم‌ترین حرکت‌های انجام شده در مورد کتابخانه‌های روستایی در طول سالهای پس از جنگ جهانی دوم و منتهی به سال ۱۳۵۷ است حاکی از ضعفهایی مانند پراکنده‌کاری و تعدد نهادهای دست‌اندرکار امور کتابخانه‌های روستایی در کشور، نبود یا کمبود هماهنگیهای لازم میان آنها، فقدان زیرساختهای لازم در روستاهای کشور از جمله سواد و حاکم بودن نسبی تبلیغات به جای عملکرد واقعی است.

مهم‌ترین و جدی‌ترین اقدام در سالهای پس از انقلاب اسلامی را نهاد جهاد سازندگی انجام داده است که در سال ۱۳۵۸ با فرمان رهبر انقلاب اسلامی با هدف خدمت‌رسانی به مناطق محروم و به ویژه روستاهای کشور ایجاد شد. یکی از مهم‌ترین بخشهای جهاد سازندگی کمیته فرهنگی بود که موظف به انجام امور فرهنگی، از جمله ایجاد و راه‌اندازی کتابخانه‌های روستایی شد. این نهاد تا سال ۱۳۶۲ (در طی ۴ سال) تعداد ۱۴۸۱ باب کتابخانه

روستایی در سراسر کشور راه‌اندازی کرد (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳). یعنی به طور متوسط سالی بیش از ۳۵۰ کتابخانه روستایی در سطح کشور ایجاد شد. با احتساب ۱۱۰۰۰ روستای کشور در آن زمان، در واقع کمتر از ۳ درصد روستاها از نعمت کتابخانه برخوردار بوده‌اند و جالب آنکه اساسنامه تشکیلات وزارت جهاد سابق در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و در آن، این وزارتخانه از انجام هر گونه فعالیت فرهنگی در روستاها منع شده بود (همان). ظاهراً شتاب زندگی زیاد جهادگران در انجام امور مختلف که تا حد قابل توجهی متأثر از محرومیت چشمگیر روستاها در آن سالها بود، باعث شد که انجام امور فرهنگی روستاها به ویژه کتابخانه‌های روستایی بدون در نظر گرفتن پشتوانه‌های قانونی لازم انجام شود. پس از سال ۱۳۶۲ علی‌رغم منع قانونی جهاد سازندگی در انجام امور فرهنگی و از جمله کتابخانه‌های روستایی، همچنان شاهد برپایی و فعالیت کتابخانه‌ها علی‌رغم کاهش ناچیز تعدادشان هستیم. در این مورد به ادعای «حافظیان رضوی» در سال ۱۳۷۲ تعداد کتابخانه‌های روستایی به ۱۲۵۰ باب کاهش یافت که نسبت به رقم سال ۱۳۶۲ رقم قابل توجهی نیست (حافظیان رضوی، ۱۳۸۳). اما نکته حائز اهمیت آن که مدیران و مسئولان رده‌های مختلف سازمانی وزارت جهاد سازندگی به ویژه حوزه معاونت ترویج، هیچ‌گونه الزام سازمانی برای پشتیبانی از فعالیتهای کتابخانه‌ها نداشتند و طبیعی بود که تحت این شرایط از رونق کتابخانه‌ها تا حد زیادی کاسته شود.

در سال ۱۳۷۵ تفاهم‌نامه‌ای میان وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و فرهنگ و ارشاد اسلامی منعقد شد که راه به جایی نبرد. ضمن آنکه تشکیل وزارت جهاد کشاورزی با شرح وظایف جدید فاصله این وزارتخانه را از فعالیت در زمینه کتابخانه‌های روستایی بیشتر کرد. به دنبال مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲، تولید کتابخانه‌های روستایی به هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور واگذار شد و به این ترتیب قانوناً به وظایف و مسئولیتهای وزارت جهاد کشاورزی در قبال کتابخانه‌های روستایی خاتمه داده شد. هر چند که نهاد جایگزین چندان فعال نیست و هم‌زمان با رکود ایجاد شده در کار کتابخانه‌ها، هنوز روستاییان و حتی مسئولان کتابخانه‌ها، جهاد را متولی کتابخانه در روستا می‌شناسند و این حاکی از ضعف عملکرد نهاد جایگزین در زمینه کتابخانه‌های روستایی است.

وضعیت فعلی کتابخانه‌های روستایی

بر اساس مطالعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد فضاهای فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۲، مجموعاً ۱۶۵۹ کتابخانه روستایی فعال در سطح کشور وجود داشت که از این میان استان خراسان با ۱۹۴ واحد بیشترین و استان ایلام با ۹ واحد کمترین تعداد کتابخانه را در

اختیار داشته‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲). این تعداد کتابخانه به نسبت شمار روستاهای کشور رقم بسیار اندکی است. زیرا براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵، ایران در آن سال ۶۸۱۲۲ روستای دارای سکنه داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). اگر چه توقع برخورداری هر روستا از یک کتابخانه، چندان هم منطقی نیست اما رقم فوق نشان می‌دهد که به طور متوسط حتی در هر مرکز دهستان هم، یک کتابخانه دیده نمی‌شد تا جایی که در پایان سال ۱۳۸۳ در سطح کشور ۲۳۷۸ دهستان وجود داشت که ۳۰ درصد بیشتر از تعداد کتابخانه‌ها در سال ۱۳۸۲ است. به عبارت دیگر دست کم ۳۰ درصد از مراکز دهستانها از وجود کتابخانه بی بهره بوده‌اند.

مطالعات «جلیلی» در استانهای ایلام (جلیلی، ۱۳۸۰ ب)، اردبیل (جلیلی، ۱۳۸۰ الف) و چهارمحال و بختیاری (جلیلی، ۱۳۸۰ ج) نشان می‌دهد که به صورتی مشابه در هر سه استان به ترتیب ۵ گروه کتابهای دینی و مذهبی؛ کودکان و نوجوانان؛ داستانی، ادبی و هنری؛ علمی، آموزشی و کمک آموزشی و سایر، حائز بیشترین تا کمترین عنوان کتاب بوده‌اند. وی کمبود کتابهای علمی، آموزشی و کمک آموزشی را ضعف کتابخانه‌های روستایی می‌داند که در صورت تأمین این نوع کتابها می‌توان بر رونق کتابخانه‌ها افزود. البته تمامی این کتابخانه‌ها را وزارت جهاد سازندگی سابق ایجاد نکرده است بلکه تعداد اندکی از آنها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برپا شده‌اند. بررسی میدانی تعدادی از این دسته از کتابخانه‌های روستایی نشان می‌دهد که کتابخانه‌های راه‌اندازی شده به وسیله وزارت جهاد سازندگی سابق به هیچ وجه قابل مقایسه با کتابخانه‌های روستایی اخیر نیستند زیرا کتابخانه‌های جدید برخوردار از امکانات رایانه‌ای، میز امانت با کتابدار حقوق بگیر و آموزش دیده، ساعت کار مشخص و از قبل اعلام شده و سالن مطالعه است. هر چند تعداد این دسته از کتابخانه‌ها بسیار اندک و ناچیز است اما عبارت کتابخانه روستایی، ناخودآگاه کتابخانه‌هایی را به ذهن متبادر می‌سازد که پس از انقلاب و توسط جهادگران دلسوز و با مشارکت مالی، فیزیکی و فکری روستاییان ایجاد شده‌اند.

علاوه بر این کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مانند سالهای قبل از انقلاب همچنان نهادی فعال در عرصه فعالیت‌های کتابخانه‌ای در کشور است. این کانون از طریق کتابخانه‌های سیار خود مبادرت به ارائه خدمات کتابخانه‌ای به روستاییان می‌کند. براساس اطلاعات سایت اینترنتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، بیش از ۵۰۰ مرکز فرهنگی ثابت و سیار شهری و روستایی و پستی این کانون در سراسر ایران، با ارائه فعالیت‌های فرهنگی، هنری با مخاطبان کودک و نوجوان خود ارتباطی چهره‌به‌چهره و نزدیک برقرار می‌نمایند. مربیان کانون در این مراکز که دربردارنده کتابخانه‌هایی با روش باز هستند علاوه



بر امانت دادن کتاب، ۳۷ عنوان فعالیت فرهنگی هنری دیگر نیز ارائه می‌دهند (سایت اینترنتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان).

مسائل و مشکلات مبتلا به کتابخانه‌های روستایی

مطالعات مختلف نشان می‌دهد کتابخانه‌های روستایی که وزارت جهادسازندگی سابق ایجاد کرده است، مشکلات بسیار پیچیده و متعددی دارند، از جمله پژوهش میدانی «شاه شجاعی» نشان می‌دهد که ۶ مشکل زیر گریبانگیر کتابخانه‌های روستایی است: ۱- نبود ارتباط و هماهنگی مناسب میان مدیران ذی‌ربط و مسئولان کتابخانه‌ها ۲- نامشخص بودن وضعیت مالکیت کتابخانه‌ها، به طوری که شمار زیادی از آنها در اماکن استیجاری یا منازل و مدارس و محله‌های دیگر قرار دارند. ۳- فقدان جایگاه استخدامی برای کتابداران روستایی ۴- فقدان امکانات و تسهیلات کافی مانند کتاب، قفسه، میز، صندلی و حتی نور ۵- بی‌اعتنایی مسئولان نسبت به مشکلات کتابخانه‌ها ۶- نبود ارتباط هدفمند کتابخانه‌ها با نهادهای آموزشی مثل مدارس و آموزشگاهها (شاه‌شجاعی، ۱۳۸۱).

مطالعات «جلیلی» در سه استان اردبیل، ایلام و چهارمحال و بختیاری نیز نشان می‌دهد که سطح نازل سواد کتابداران روستایی یکی از مشکلات عمده این کتابخانه‌هاست. به طوری که در استان ایلام ۶۰ درصد (جلیلی ۱۳۸۰ ب)، در استان چهارمحال و بختیاری اندکی بالاتر از ۵۰ درصد (جلیلی، ۱۳۸۰ ج)، و در استان اردبیل کمتر از ۵۰ درصد کتابداران (جلیلی، ۱۳۸۰ الف) از سطح سواد دیپلم و بالاتر از آن برخوردارند. ضمن آنکه مشکلات اشاره شده در مطالعه «شاه‌شجاعی» در گزارشهای «جلیلی» هم مورد توجه واقع شده‌اند.

دیدگاههای شماری از کتابداران روستایی و مشاهدات میدانی از تعدادی از کتابخانه‌های روستایی در چند استان مختلف کشور گویای آن است که در حال حاضر کتابخانه‌های روستایی ایجاد شده توسط وزارت جهادسازندگی سابق از مشکلاتی چند رنج می‌برند که اهم این معضلات که توجه جدی به کتابخانه‌های فوق را ضروری می‌سازد، عبارت‌اند از:

مشکلات مدیریتی

- نقش ناچیز و غالباً در حد صفر سایر دستگاههای متولی خدمات رسانی به روستاها (نهیضت سوادآموزی، خانه‌های بهداشت روستایی، مجتمعهای خدمات حمایتی روستایی سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام، نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در تقویت سخت‌افزاری کتابخانه‌ها (به لحاظ کتاب، میز و صندلی، قفسه و ...):

- عدم ارتباط و هماهنگی مناسب و انسجام‌یافته میان مدیران ذی‌ربط در استانها با

مسئولان کتابخانه‌ها؛

- نامشخص بودن وضعیت مالکیت تعدادی از کتابخانه‌ها، به طوری که بعضی از کتابخانه‌ها استیجاری هستند و تعدادی نیز در جاهای گوناگون مانند مسجد، اتاق مجاور مسجد، منازل شخصی، حمام، مدرسه و ... قرار دارند؛

- عدم ارتباط میان کتابخانه‌ها با دیگر مراکز فرهنگی روستا مانند مدرسه، آموزشگاهها، کلاسهای نهضت سوادآموزی و ...؛

- فقدان سیاست کلی اطلاع‌رسانی روستایی در کشور؛

- در حاشیه قرار گرفتن نهادهای اطلاع‌رسانی در فرآیند توسعه در ابعاد گوناگون آن؛

- محرومیت شمار زیادی از روستاهای کشور از نعمت کتابخانه به عنوان یک مرکز فرهنگی مهم و درخور توجه؛

- وجود تعداد محدودی کتابخانه روستایی تحت پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با برخورداری از استانداردهای بالا به لحاظ نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و در مقابل تعداد قابل توجهی کتابخانه‌های روستایی ایجاد شده توسط وزارت جهاد سازندگی سابق که به حال خود رها شده‌اند. همچنین در معدودی از روستاهای کشور متولیان دیگری برای کتابخانه‌ها وجود دارند. این امر این شائبه را ایجاد کرده است که مسئولان متولی امور فرهنگی کشور میان روستاهای کشور تفاوت قائل می‌شوند؛

- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در مورد کتابخانه‌های روستایی و در عین حال، شفاف نبودن نقش و رسالت نهادها و دستگاههای ذی‌ربط؛

- عدم تعریف بودجه عمومی لازم برای ایجاد و نگهداری کتابخانه‌ها.

مشکلات سخت‌افزاری

- فقر غالب کتابخانه‌ها از جهت سخت‌افزاری (کتاب و به ویژه کتابهای مناسب، فضا، نشریه ادواری، منابع دیداری - شنیداری، میز و صندلی، خط تلفن مستقل، میز کار، قفسه کتاب، نور، آب آشامیدنی، سرویس بهداشتی)؛

- ترکیب نامناسب کتابهای موجود در غالب کتابخانه‌ها، به طوری که کتب علمی، آموزشی و کمک درسی مورد نیاز و خواست جوانان که بیشترین مراجعان به کتابخانه‌ها را تشکیل می‌دهند و متون چاپی مرتبط با مباحث کشاورزی و دامپروری که فعالیت غالب در نقاط روستایی است و کتب مورد نیاز گروههای سنی کودک و نوجوان از فراوانی و درصد مناسبی در ترکیب کتابهای موجود در کتابخانه‌ها برخوردار نیستند؛

- عدم سازگاری ترکیب غالب کتابهای موجود در کتابخانه‌ها با سطح سواد روستاییان؛

- به روز نبودن غالب کتابها به طوری که شمار زیادی از کتابهای موجود در کتابخانه‌ها

فرسوده و مندرس هستند؛

- وجود نسخه‌هایی از نشریات به ظاهر خانوادگی، تأثیر سوئی بر رفتار جوانان روستایی داشته است؛

- فقدان یکنواختی در طراحی و ساخت کتابخانه‌ها، به طوری که تفاوت‌های فاحشی از نظر شکل ظاهری و وسعت میان آنها وجود دارد؛

- فقدان نظم و نسق در آرایش و چیدمان کتابها، نشریات و نیز نوارهای کاست موجود در کتابخانه‌ها به دلیل عدم وجود کتابداران آموزش دیده.

مشکلات نرم‌افزاری

- عدم برخورداری اکثر قریب به اتفاق کتابداران و مسئولان کتابخانه‌ها از آموزشهای لازم در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی؛

- عدم ایجاد انگیزه‌های لازم از جمله پرداخت حق الزحمه برای کتابداران روستایی در قالب بسترهای قانونی و تعریف شده توسط نهادها و دستگاههای ذی‌ربط؛

- ترکیب نامناسب جنسیتی کتابداران روستایی به طوری که علی‌رغم برتری کمی اعضای مؤنث کتابخانه‌ها نسبت به اعضای مذکر، این نسبت به هیچ عنوان در مورد کتابداران به چشم نمی‌خورد و درصد قابل توجهی از کتابداران را مردان تشکیل می‌دهند که توجه به این امر با توجه به مشکلات فرهنگی ارتباط میان مردان و زنان به ویژه گروههای جوان و کم سن و سال در روستاها، بسیار ضروری است تا تردد دختران و پسران عضو، آسان شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اینکه مطابق قانون، تولید کتابخانه‌های روستایی به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور واگذار شده است، دخالت هر نهاد و دستگاه دیگر در این مهم نوعی خلط وظایف و نقض قانونی تلقی می‌گردد. اما وزارت جهاد کشاورزی از جمله مهم‌ترین نهادهای فعال در سطح روستا بوده و همچنین از معدود وزارتخانه‌هایی است که در سطح دهستان دارای تشکیلات مصوب (وجود مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی در بالغ بر ۱۰۰۰ دهستان کشور) و کارگزارهای متعدد و متنوع از قبیل سربازان سازندگی، مدیران شرکتهای تعاونی تولید، ناظران مزارع و باغات و نیز کارورزان است. همچنین با توجه به تجارب ذی‌قیمت و ارزنده این وزارتخانه که حاصل پیگیری امور فرهنگی روستاها و از جمله کتابخانه‌های روستایی در سالهای دور و نزدیک است، مقتضی خواهد بود که ضمن حفظ حریمهای قانونی و ممانعت از ورود به حوزه وظایف و مسئولیتهای سایر سازمانها و نهادها و در کنار بهره‌گیری از محیط و امکانات موجود در کتابخانه‌های روستایی، به منظور ارائه هر چه بهتر و بیشتر آموزشهای ترویجی به گروههای مختلف روستایی، سهم و نقش خود در رونق دهی

به فعالیتهای فرهنگی را (که به صورت بالقوه امکان انجام آنها در کتابخانه‌ها وجود دارد) ایفا نماید. بدین منظور تمهیدات زیر باید از سوی معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری صورت گیرد:

۱- بهتر است در روستاهایی که کتابخانه روستایی آنها را وزارت جهاد سازندگی سابق راه‌اندازی کرده است آن دسته از آموزشهای ترویجی که می‌بایست در سطح روستا برگزار گردد حتی الامکان در کتابخانه‌ها صورت پذیرد. این مهم از طریق انجام مکاتبات لازم با مدیریتهای ترویج و نظام بهره‌برداری استانها می‌تواند محقق گردد تا از این رهگذر بر تردد هر چه بیشتر روستاییان به کتابخانه‌ها و نهایتاً بر رونق آنها افزوده شود، البته بهره‌گیری از محیط کتابخانه می‌بایست به سیاقی صورت پذیرد که به فعالیتهای ساری و جاری در کتابخانه‌ها لطمه‌ای وارد نشود.

۲- ارسال نشریات منتشره توسط معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری اعم از نشریه ترویجی، کتاب، نشریات ادواری (که مخاطب آنها روستاییان هستند یا بتواند مورد استفاده آنها واقع گردد)، پوستر و فیلمهای آموزشی به کتابخانه‌های روستایی جهت تجهیز کتابخانه‌ها.

۳- اهتمام به دریافت سایر نشریات منتشره در حوزه وظایف سازمانی وزارت جهاد کشاورزی و ارسال آنها برای کتابخانه‌های روستایی جهت تقویت منابع موجود در کتابخانه‌ها و هدایت جذب گروهها و تعداد بیشتری از روستاییان به کتابخانه‌ها.

۴- انعکاس فعالیتهای انجام شده توسط معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری به سایر نهادها و سازمانها به ویژه دستگاههای فعال در سطح روستا به منظور جلب نظر مساعد ایشان نسبت به تقویت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی از طریق نشریات مرتبط و توسط نهادهای ذی ربط.

۵- همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارائه آمار و اطلاعات لازم از کتابخانه‌های روستایی و معاضدت با این وزارتخانه در برگزاری مراسم گوناگون در سطح کتابخانه‌ها مانند نمایشگاه کتاب، عکس و غیره.

۶- در اولویت قرار دادن کتابداران و نیز اعضای فعال کتابخانه‌های روستایی در برخورداری از آموزشهای ترویجی به ویژه بازدیدهای داخل و خارج از استان و نیز معرفی جهت دریافت نهادهای کشاورزی.

۷- مساعدت در تهیه نشریات محلی ساده توسط کارکنان شاغل در مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی به ویژه در حوزه دانش بومی و تجربی روستاییان به منظور تقویت کتابخانه‌ها.

۸- مساعدت در شناسایی افراد خیر در امور فرهنگی روستا و ترغیب ایشان به کمک در

تجهیز کتابخانه‌ها.

۹- تشویق و ترغیب افراد ذی صلاح در روستاها نسبت به نگارش مطالب ساده و مفید در حیطه‌های گوناگون مرتبط با روستا و اهتمام به نشر و تکثیر آنها در شمارگان متعدد جهت قرار دادن در کتابخانه‌های روستایی.

۱۰- اهتمام به تشکیل تشکل کتابداران روستایی جهت ایجاد و تقویت هماهنگی بیشتر در فعالیتها از طریق انتشار خبرنامه، برگزاری گردهمایی و مانند آن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- ابرامی، ه. (۱۳۵۷). کتاب و پدیده کمرشدهی. تهران: انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ۲- امانی، غ. (۱۳۷۶). «اهمیت کتاب و کتابخانه و تأثیر مطالعه در روند تکامل جامعه از دیدگاه اسلام و قرآن». نشریه پیام کتابخانه. ش ۲۷.
- ۳- باستانی پاریزی، م. ا. (۱۳۸۵). هواخوری در باغ. تهران: نشر علم.
- ۴- جلیلی، ف. (۱۳۸۰ الف)، «کتابخانه‌های روستایی استان اردبیل». نشریه کتاب ماه (کلیات). شماره مرداد.
- ۵- جلیلی، ف. (۱۳۸۰ ب)، «کتابخانه‌های روستایی استان ایلام». نشریه کتاب ماه (کلیات). شماره مهر.
- ۶- جلیلی، ف. (۱۳۸۰ ج)، «کتابخانه‌های روستایی استان چهارمحال و بختیاری». نشریه کتاب ماه (کلیات). شماره شهریور.
- ۷- حافظیان رضوی، ک. (۱۳۸۳)، «کتابخانه‌های روستایی: سیر تحول و ضرورت‌های آن در عصر اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات». نشریه کتاب ماه (کلیات). ش ۸۴.
- ۸- حقیقی طلب، د. (۱۳۵۴)، پیدایی و گسترش کتابخانه‌های روستایی در جهان و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- ۹- سایت اینترنتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:
<http://www.kanoonparvareh.com>.
- ۱۰- شاه‌شجاعی، ع. (۱۳۸۱)، «بررسی وضعیت کتابخانه‌های روستایی». نشریه انتخاب. شماره مورخ ۸۱/۱۱/۲۸.
- ۱۱- محقق، ج. (۱۳۸۲)، «پله پله با صمد». نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان. ش ۷۲.
- ۱۲- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران سال ۱۳۷۵. تهران: مرکز آمار ایران، قابل دسترس در: <http://www.sci.org.ir>
- ۱۳- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۳)، گزارش بررسی وضعیت کتابخانه‌های روستایی. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی و نظام بهره‌برداری، مرکز اسناد و اطلاعات.
- ۱۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، یافته‌های طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور، فضاهای فرهنگی ایران. تهران: انتشارات طرح‌های ملی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵- یونسکو (۱۳۳۴)، توسعه کتابخانه‌های عمومی. ترجمهٔ خانابابایی، تهران: دانشگاه
تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی